

اصحاب و یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه

قنبرعلی صمدی *

تاریخ تأیید: ۱۳۸۸/۴/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۳/۱۰

چکیده

در این نوشتار، با استفاده از منابع روایی شیعه موضوع یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه، ویژگی‌ها و خصوصیات اسمی و ملیتی آنان، تعداد اصحاب، جنسیت اصحاب (تعداد مرد و زن)، نحوه حضور و یاری رسانی آنان و نیز وضعیت نیروهایی که در هنگام ظهور، برای حمایت از حضرت قیام می‌کنند و... در دو محور: گروه اصحاب ویژه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه و گروه انصار و یاوران آن حضرت در هنگام ظهور، مورد بررسی قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: عصر ظهور، یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه، یاران خاص مهدی عجل الله تعالی فرجه.

مقدمه

براساس آموزه‌های دینی، یکی از سنت‌های الهی در جهان این است که هر پدیده، می‌باید به صورت قاعده مند از راه فراهم آمدن شرایط و مقدمات آن به وجود آید. این اصل، در روایات این گونه بیان شده است: «أبی الله أن یجری الأمور إلا بأسبابها فجعل لكل شیء سبباً؛ خداوند امتناع دارد از این که امور را جز از راه اسباب آن فراهم آورد» (مازندرانی، ۱۴۲۱: ج ۸، ص ۲۱۰).

تحولات و رخدادهای اجتماعی نیز همانند پدیده‌های تکوینی، محکوم این

*. فارغ التحصیل سطح ۳ مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم.

اصل می‌باشد. بر این اساس، تحقق هر انقلاب و رویداد اجتماعی، به زمینه‌ها و شرایط آن، وابستگی دارد. ظهور و قیام امام مهدی علیه السلام نیز پیرو همین اصل است و بدون تحقق زمینه‌ها و شرایط آن، به وقوع نخواهد پیوست.

یکی از مهم‌ترین شرایط و مقدمات لازم برای تحقق ظهور، وجود یاورانی شایسته و لایق برای پشتیبانی از قیام و انجام کارهای حکومت جهانی است؛ زیرا سنت الهی بر این قرار گرفته که امور عالم از مجرای طبیعی و علل و اسباب عادی انجام گیرد؛ بنابراین همان گونه که نقش یاران در موفقیت حرکت‌های اصلاحی پیامبران الهی تعیین کننده بوده، در قیام امام مهدی علیه السلام نیز نیاز به یاران، امری ضروری و اجتناب ناپذیر است؛ زیرا بنا نیست این قیام، با نیروی اعجاز به سر انجام برسد؛ بلکه حرکت‌های اصلاحی حضرت از راه اسباب و عوامل عادی به پیروزی می‌رسد. بدیهی است چنین انقلاب عظیمی، بدون نیروهای مؤمن و فوق العاده توانمند و مؤثر، امکان تحقق نخواهند داشت.

بر این اساس، یکی از موضوعات لازم در حوزه مباحث مهدویت، بحث از یاران حضرت مهدی علیه السلام و شناخت ویژگی‌ها، کارکردها و اقدامات سیاسی نظامی مجموعه نیروهایی است که هنگام ظهور به امام مهدی علیه السلام می‌پیوندند و تحت فرمان آن حضرت، به انجام مسؤولیت می‌پردازند. با توجه به اهمیت مسأله و نقش آموزنده آن، بخشی از روایات مهدویت به انعکاس این موضوع پرداخته است.

طبق آنچه از روایات استفاده می‌شود، مجموع یاوران و کسانی را که در آغاز ظهور، دعوت امام مهدی علیه السلام را لبیک می‌گویند و برای یاری، به امام علیه السلام می‌پیوندند، می‌توان به دو گروه، تقسیم کرد:

الف. گروه اصحاب

ب. گروه انصار

گروه اصحاب، افراد ویژه و فوق العاده ممتازی هستند که به عنوان اصحاب حضرت در نخستین ساعات ظهور، به امام مهدی علیه السلام می‌پیوندند. آنان، هسته‌های اولیه نهضت

جهانی امام مهدی علیه السلام را تشکیل می‌دهند. آنان کسانی‌اند که هم قیام حضرت با حضور آنان آغاز می‌شود و هم پس از پیروزی، از مشاوران و وزرای امام عصر علیه السلام خواهند بود و بخش مهمی از کارها را به دوش خواهند کشید. امام مهدی علیه السلام با کمک آنان، دنیا را فتح کرده و عدالت موعود را سراسر جهان حاکم خواهند کرد.

در منابع روایی، این گروه، با عنوان «اصحاب المهدی» یاد شده‌اند. آنان، در مقایسه با دیگر یاران حضرت، از مقام، جایگاه و منزلت برتری برخوردارند و در سیستم حکومتی حضرت نیز مسؤولیت‌های مهم‌تر و حساس‌تری بر عهده دارند. اما گروه انصار، عبارتند از مجموعه یاورانی که پس از ظهور به حمایت از حضرت مهدی علیه السلام می‌شتابند و به سپاه آن حضرت ملحق می‌شوند. این عده، شامل همه افرادی می‌شود که با آغاز قیام حضرت، دسته دسته برای یاری ایشان به پا می‌خیزند، و دعوت امام علیه السلام را لبیک می‌گویند. این گروه، شامل سه دسته از نیروهایی هستند که به تدریج به سپاه حضرت می‌پیوندند:

دسته اول، کسانی‌اند که در آغاز ظهور و اعلام خبر قیام حضرت در مکه، خود را به امام علیه السلام می‌رسانند و با ایشان بیعت می‌کنند. حضرت، پس از حضور و اعلام بیعت آنان، به قیام می‌پردازد و از مکه به سوی مدینه حرکت می‌کند. دسته دوم، خیل عظیمی از مؤمنان و مشتاقانی‌اند که با آغاز قیام حضرت، در میانه راه به سپاه امام مهدی علیه السلام می‌پیوندند و در رکاب او با دشمنان خدا می‌جنگند.

دسته سوم، نیروها و سپاهیان‌اند که پس از قیام حضرت مهدی علیه السلام، از جاهای دور و نزدیک با هدف مقابله با لشکریان سفیانی و حمایت و پشتیبانی از حضرت مهدی علیه السلام، به سوی او می‌شتابند و به سپاه حضرت می‌پیوندند.

در این نوشتار، سعی شده است به منظور شناخت خصوصیات و اوصاف اصحاب و یاران حضرت مهدی علیه السلام و نقش مؤثر آنان در شرایط و تحولات نخستین روزهای ظهور، ابعاد مختلف این موضوع بررسی شود.

گروه اصحاب

کلمه «اصحاب» و «صحابه»، جمع صاحب از ماده «صحب» به معنای همراه، گروه، معاشر و یاور است (ابن منظور، بی تا: ص ۵۱۹؛ زبیدی، ۱۳۸۵: ج ۳، ص ۱۸۶). در آیات و روایات نیز این کلمه به معنای همراه، اهل، دسته و گروه، به کار رفته است.

درباره اصحاب و یاران حضرت قائم علیه السلام و وقایع مربوط به آن نکات متعددی قابل طرح است که این جا لازم است با استناد به روایات، بدان اشاره شود:

شمار اصحاب حضرت مهدی علیه السلام

درباره تعداد اصحاب امام مهدی علیه السلام در روایات، آمار و ارقام مختلفی ذکر شده است. بیشتر روایات، تعداد یاران مهدی علیه السلام را سیصد و سیزده تن - به تعداد اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله در جنگ بدر - ذکر کرده است (صفار قمی، بی تا: ص ۳۱۱؛ صدوق، بی تا: ج ۲، ص ۶۵۴).

دسته دیگر روایات، تعداد اصحاب مهدی علیه السلام را بیش از سیصد و سیزده نفر نقل کرده است. برخی از این روایات، رقم ده هزار نفر را ذکر کرده است؛ مانند آنچه از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود: «مهدی ظهور نمی کند، مگر این که حلقه کامل گردد». وقتی از حضرت سؤال شد که عدد آنان چند نفر است؟ فرمود: «ده هزار نفر» (نعمانی، بی تا: ص ۳۰۷).

همچنین ابوبصیر نقل می کند:

مردی کوفی از امام صادق علیه السلام تعداد یاران امام مهدی علیه السلام را پرسید و گفت: «مردم می گویند اصحاب مهدی به تعداد اصحاب بدر، ۳۱۳ نفرند». حضرت در پاسخ فرمود: «مهدی ظهور نمی کند، مگر با نیروی قدرتمندی که تعداد آنان، کمتر از ده هزار رزمنده نخواهند بود» (صدوق، همان: ج ۲، ص ۶۵۴).

بعض دیگر از این نوع روایات، تعداد اصحاب مهدی علیه السلام هنگام ظهور را بین دوازده تا پانزده هزار نفر، ذکر کرده است (ابن طاووس، بی تا: ص ۶۵). حتی در روایتی،

عدد یکصد هزار نفر نیز نقل شده است (مجلسی، بی تا: ج ۵۲، ص ۳۰۷ و ۳۶۷).
باتوجه به قرائن موجود، این چند دسته روایات را می توان این گونه جمع کرد
که روایات متضمن عدد سیصد، ناظر به اصحاب ویژه امام مهدی علیه السلام در مرحله
آغازین قیام است، همان کسانی که هسته اصلی قیام حضرت را تشکیل می دهند
و در روایات، از آنان، با عنوان پرچمداران و فرماندهان لشکر مهدی علیه السلام یاد شده
است (کلینی، بی تا: ج ۸، ص ۳۱۳؛ صدوق، همان: ج ۲، ص ۶۷۲). که حضرت
مهدی علیه السلام به وسیله آنان، شرق و غرب جهان را فتح می کند و آن ها را فرمانروایان
روی زمین قرار می دهد. (نعمانی، همان: ص ۲۵۲)

اما روایات دسته دوم، ناظر به مجموع نیروهایی است که به جمع سیصد
وسیزده نفر می پیوندند. بنابراین، با توجه به اختلاف روایات درباره تعداد یاران
مهدی علیه السلام می توان گفت: آمار و ارقام یاد شده، مقصود نبوده؛ بلکه هدف از بیان
این ارقام، فزونی یاوران و پیروان امام مهدی علیه السلام بوده است.

نام و ملیت اصحاب

در برخی روایات، خصوصیات اسمی و وطن و محل اقامت ۳۱۳ نفر از یاران امام
مهدی علیه السلام ذکر شده است و از شهرهایی مانند کوفه، بصره، مدائن، هرات، حران،
قلزوم، خیبر، طرابلس، بیروت، طالقان، همدان، ری، اهواز، قم، قزوین، نیشابور،
کرمان، مرو، توس و... نام برده شده است.

در روایتی که اصبح ابن نباتة از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده آمده است:

روزی امیرالمؤمنین علیه السلام خطبه ای ایراد فرمود که در آن، از مهدی علیه السلام و یاران او
ذکری به میان آورد. در آن حال، ابو خالد از امیرالمؤمنین علیه السلام درخواست کرد
تعداد و اوصاف و خصوصیات اسمی و محلی یاران مهدی علیه السلام را بیان فرماید.
امیرالمؤمنین علیه السلام به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله تعداد و محل های ۳۱۳ تن از یاران
و همراهان مهدی علیه السلام هنگام ظهور را بازگو کرد؛ در حالی که مردم آن را
می نوشتند. سپس فرمود: «رسول الله صلی الله علیه و آله این ۳۱۳ نفر را که به تعداد اصحاب
بدرند، برایم چنین معرفی کرد» (کورانی، ۱۴۱۱: ج ۳، ص ۱۰۴).

در این روایت، اسامی ۳۱۳ نفر اصحاب خاص امام عصر علیه السلام و محل سکونت آنان، به تفصیل بیان شده است.

در روایت دیگر، ابو بصیر نقل می‌کند:

به حضور امام صادق علیه السلام رسیدم؛ حضرت به کسی که در مجلس حضور داشت، فرمود: «بنویس آنچه پیامبر صلی الله علیه و آله برای امیر المؤمنین علیه السلام املا فرمود». سپس نام‌های تک تک یاران ویژه حضرت مهدی علیه السلام را با ذکر محلات و مناطق زندگی شان، بیان فرمود (طبری، همان: ص ۵۵۶-۵۷۵؛ کورانی، همان: ج ۴، ص ۲۸).

در این باره تذکر دو نکته لازم است:

نکته اول این که مراد از اماکن و شهرهایی که در این روایات، از آن نام برده شده، مفهوم متعارف آن زمان است و این نام‌ها ناظر به مکان‌هایی است که هنگام صدور روایت، با این عناوین و نام‌ها یاد می‌شده‌اند؛ به همین سبب در بسیاری از این موارد، تطبیق این اسامی با اماکن و شهرهایی که بعدها بدین نام، نام گذاری و مشهور شده، قدری دشوار است؛ زیرا بسیاری از شهرهای نام‌برده شده در گذر زمان، تغییر نام یافته یا در اثر توسعه دارای چندین شعبه با نام‌های گوناگون شده باشند. نیز ممکن است در ثبت و ضبط نام این شهرها و محلات، تصحیف (خطای نوشتاری) رخ داده باشد. همچنین در برخی موارد، شهرهای جدیدی احداث شده است که با آنچه در روایات آمده است، فقط تشابه اسمی دارد. افزون بر این که در ترتیب اسامی و مکان‌های یاد شده در این گونه روایات، اندک تفاوت‌هایی نیز دیده می‌شود.

نکته دوم این که باید توجه داشت با آن که دانستن نام اصحاب حضرت مهدی علیه السلام و آگاهی از موطن و ملیت آنان، مطلوب است، این اطلاع و آگاهی، از نظر معرفتی برای ما چندان اثری نخواهند داشت؛ بلکه آنچه در این خصوص مهم و لازم است، توجه به ویژگی‌های شخصیتی یاران حضرت مهدی علیه السلام و تأسی عملی به ایشان است؛ مطابق آنچه در روایات معرفی شده است.

چگونگی پیوستن اصحاب حضرت مهدی علیه السلام به آن حضرت

طبق نقل روایات، اصحاب مهدی، به طور ناگهانی و معجزه آسا، از مسافت‌های دور و نزدیک، در یک شب یا صبحگاه، درمکه معظمه، گرد می‌آیند و به حضرت می‌پیوندند. امیرالمؤمنین علیه السلام درباره چگونگی فراخوانی و پیوستن یاران مهدی علیه السلام، از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می‌کند: «خداوند، یاران مهدی را در کمتر از چشم به هم زدن، از مشرق و مغرب، کنار کعبه، گرد می‌آورد» (ابن طاووس، همان: ص ۱۴۶). همچنین در روایت دیگری از امام باقر علیه السلام نقل شده است که فرمود: «یاران مهدی، با طی الأرض به سوی او می‌شتابند و در مکه با او بیعت می‌کنند» (فتال نیشابوری، بی تا: ج ۲، ص ۲۶۳).

چگونگی بیعت اصحاب

پس از پیوستن یاران امام مهدی علیه السلام اولین اقدام حضرت، اخذ بیعت از اصحاب و پیمان وفاداری و اطاعت آنان از امام علیه السلام است. پایمردی در میدان رزم، دوری از حرام و کارهای منکر مثل دزدی، زر اندوزی، احتکار، رباخواری، تخریب مساجد، شهوات باطل، نوشیدن شراب، تجمل گرایی، تحقیر اشخاص مؤمن، تعقیب افراد فراری، خونریزی ناحق، انفاق به افراد منافق و کافر، انجام عمل منافی عفت و... از موارد مطرح در این میثاق بیعت است. همچنین امام از یاران خود پیمان می‌گیرد در تحمل سختی‌ها مقاوم باشند و مردم را امر به معروف و نهی از منکر کنند. اصحاب نیز همگی این پیمان را می‌پذیرند و تک تک با امام علیه السلام رو بوسی می‌کنند (شافعی، بی تا: ص ۹۶).

اوصاف اصحاب

طبق نقل روایات، اصحاب مهدی علیه السلام همگی جوانند مگر تعداد اندکی؛ مانند کمی سرمه در چشم یا کمی نمک در غذا (طوسی، بی تا: ص ۲۸۴). در برخی روایات، یاران مهدی علیه السلام به شیران روز و نیایشگران شب زنده دار که دل‌هاشان مانند پاره‌های آهن، محکم و استوار است، توصیف شده اند (مجلسی، همان: ج ۵۲،

ص ۳۸۶). آنان، رادمردانی‌اند که جز شهادت در راه خدا، آرزوی دیگری ندارند و برابر رهبر و مولای خود، سخت مطیع و فرمانبردارند. ابهت و رعب این جنگجویان مصمم و فولادین، دشمنان را زمین‌گیر می‌کند (نوری، بی‌تا: ج ۱۱، ص ۱۱۴). در راه انجام مأموریت خود، بسیار قاطع و بی‌باکند و هرگز هراسی به دل راه نمی‌دهند (مجلسی، همان: ج ۵۲، ص ۳۰۸).

امام مهدی علیه السلام با چنین اصحاب و یارانی، جهان را فتح کرده و اسلام را در سراسر گیتی، حکم فرما می‌سازد. از امام باقر علیه السلام نقل شده است که فرمود:
گویی یاران مهدی را می‌بینم که سراسر زمین و آسمان را احاطه کرده‌اند و چیزی در جهان نیست، مگر این که در قبضه قدرت آنان است. آن‌ها، در جامعه به حدی محبوبند که حتی پرندگان و درندگان نیز در پی جلب خشنودی و فرمان برداری آنان هستند. قطعه‌ای از زمین، از این که یکی از یاران مهدی علیه السلام بر آن گام نهاده است، بر قطعه دیگر فخر و مباهات می‌کند (صدوق، همان: ج ۲، ص ۶۷۲؛ مجلسی، همان: ج ۵۲، ص ۳۲۷).

حضور زنان در میان اصحاب

میان یاران مهدی علیه السلام زنان نیز حضور دارند و در بخش‌های بهداشت و درمان، انجام وظیفه می‌کنند. در روایات، تعداد آنان متفاوت ذکر شده است. طبق روایت مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام سیزده نفر میان اصحاب قائم علیه السلام حضور دارند که زخمی‌ها را مداوا و بیماران را پرستاری می‌کنند (طبری، همان: ص ۲۵۹). در این روایت، نام‌های نه نفر از این زنان ذکر شده است. در برخی روایات، از حضور پنجاه زن میان یاران حضرت مهدی علیه السلام خبر داده شده است. آنان، در کارهای بهداشتی و امدادی به رزمندگان اسلام خدمت رسانی می‌کنند (نعمانی، همان: ص ۲۷۹). در برخی دیگر، عدد بیشتری نیز ذکر شده است (ابن طاووس، همان: ص ۱۵۱).
ظاهراً این نوع روایات، ناظر به زنانی‌اند که پس از قیام، حضرت را همراهی و در کارها با سپاه و اردوی امام مهدی علیه السلام مشارکت می‌کنند.

رجعت گذشتگان

در برخی روایات، از بازگشت گذشتگان، در زمان ظهور، برای یاری حضرت، سخن به میان آمده است. مفاد این گونه روایات، رجعت آنان در زمان ظهور است. اما این بدان معنا نیست که آنان جزء ۳۱۳ تن از اصحاب خاص حضرت (یعنی همان افرادی که ظهور، منوط به آنهاست) قرار داشته باشند.

بر اساس منابع روایی، از جمله کسانی که زمان ظهور در جمع اصحاب و سپاهیان مهدی علیه السلام قرار می‌گیرند، عده‌ای از مؤمنان شایسته و برجستگانی است که پیش‌تر، از دنیا رفته‌اند. خداوند، آنان را دوباره زنده می‌کند، تا به سپاه مهدی علیه السلام ملحق شوند. این اشخاص که گاهی در روایات از آنان نام برده شده است، برخی از امت‌های پیشین هستند؛ مانند یوشع بن نون، وصی موسی علیه السلام، مؤمن آل فرعون و اصحاب کهف (طبری، همان: ص ۵۵۴). برخی دیگر نیز از پیشگامان و برجستگان صدر اسلام در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامان معصوم علیهم السلام هستند؛ نظیر سلمان فارسی، ابودجانة انصاری، مالک اشتر نخعی (فتال نیشابوری، همان: ج ۲، ص ۲۶۶)، جبیر بن خابور (راوندی، بی‌تا: ج ۱، ص ۱۸۵)، اسماعیل فرزند امام صادق علیه السلام (حر عاملی، بی‌تا: ص ۲۶۶)، عبدالله بن شریک عامری (همان)، مفضل بن عمر (طبری، همان: ص ۲۴۸)، و...

پیوستن حضرت مسیح علیه السلام

با ظهور امام مهدی علیه السلام، حضرت عیسی مسیح علیه السلام نیز ظاهر شده و به آن امام ملحق می‌شود و می‌گوید: «من، وزیر فرستاده شده‌ام، نه امیر و فرمانروا» (کورانی، همان: ج ۱، ص ۵۲۷). وی از سوی امام مهدی علیه السلام، فرماندهی عملیات تهاجمی بر ضد لشکریان دجال را بر عهده می‌گیرد (طبسی، ۱۳۸۵: ج ۱، ص ۱۶۷)؛ به همین سبب در روایات، از میان کارگزاران امام مهدی علیه السلام، از حضرت عیسی مسیح علیه السلام به دلیل نقش کلیدی و منحصر به فرد او در تحکیم و گسترش

حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام، با عنوان «وزیر» یاد شده است. گو این که حضرت عیسی مسیح علیه السلام در دوران ظهور، نقش معاون اولی امام مهدی علیه السلام را در میان دستیاران و کارگزاران حکومتی امام مهدی علیه السلام بر عهده دارد (بحرانی، بی تا: ص ۶۹۷). امام مهدی علیه السلام، با چنین اصحاب و کارگزارانی، سرانجام، حکومت جهانی اسلام را تحقق می بخشند و جهان را از عدل و داد پر می کند.

گروه انصار

مراد از انصار - چنان که اشاره شد - مجموعه نیروهایی اند که در آستانه ظهور یا همزمان با ظهور امام مهدی علیه السلام از مناطق مختلف قیام می کنند و برای یاری حضرت و مقابله با دشمنان ایشان، به پا می خیزند. این نیروها، بعضاً دارای سازماندهی ویژه ای هستند که با انسجام خاص و تحت مدیریت افراد خاصی رهبری می شوند. اکنون به مهم ترین این نیروها اشاره می کنیم.

رزمندگان خراسان

براساس روایات، از نیروهایی که هنگام ظهور، به حمایت از قیام حضرت به پا می خیزند، سپاهیان خراسانند که از ایران سازماندهی می شوند. سپاه اهالی خراسان که در روایات ناظر به ایران آن زمان است و تا مناطق ماوراءالنهر را شامل می شود، پس از ظهور حضرت مهدی علیه السلام با پرچم های سیاه، به فرماندهی سید خراسانی برای بیعت و یاری امام مهدی علیه السلام حرکت می کنند. این، هنگامی است که امام عصر علیه السلام از مدینه به سوی کوفه حرکت کرده است. سپاه خراسانی، میان راه به حضرت مهدی علیه السلام می پیوندند و تحت فرمان حضرت، برای جنگ با سفیانی راهی کوفه می شوند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است:

هنگامی که مشاهده کردید پرچم های سیاه از سوی خراسان می آیند، با هر وسیله ممکن به سوی آن ها بشتابید؛ هر چند مجبور باشید برای این کار روی

برف و یخ سینه خیز بروید؛ چرا که خلیفه الله مهدی علیه السلام میان آن پرچم‌ها حضور دارد (مجلسی، همان: ج ۵۱، ص ۸۲).

ابو خالد کابلی از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده است که فرمود:

گویا می‌بینم قومی را که در مشرق خروج کرده‌اند و حق را مطالبه می‌کنند؛ پس به ایشان داده نمی‌شود. باز مطالبه حق می‌کنند و به ایشان داده نمی‌شود؛ پس چون چنین ببینند، شمشیرهای خود را بر دوش خود گذارند. آن‌گاه آنچه می‌خواستند به ایشان داده شود و ایشان قبول نکنند، تا این‌که قیام کنند و نخواهند دولت را مگر، به صاحب شما. کشته‌های ایشان، شهدایند. آگاه باشید اگر من آن زمان را درک می‌کردم، خود را برای صاحب این امر، نگاه می‌داشتم (نعمانی، همان: ص ۱۸۲؛ کورانی، همان: ج ۳، ص ۲۶۹).

این روایت، بر اصالت و حقانیت نهضت مردمان مشرق زمین و نقش زمینه‌ساز آن دلالت روشنی دارد. ظاهراً کلمه «مشرق» در این روایت نیز ناظر به منطقه خراسان است؛ همان چیزی که در دیگر روایات بدان تصریح شده است.

از این روایت استفاده می‌شود که تشکیل سپاه و سازماندهی رزمندگان خراسان، با مدیریت مستقیم امام مهدی علیه السلام و دست‌کم با هماهنگی و اشراف آن حضرت است. آنان، در مقابله و شکست دشمنان حضرت در عراق یعنی جنبش سفیانی، نقش مؤثری خواهند داشت.

در رابطه با قیام خراسانی، چند نکته قابل ذکر است:

۱. عنوان خراسان - همان‌گونه که اشاره شد - تا آن طرف بلخ و بخارا را شامل می‌شود؛ لذا درباره محل خروج وی و این‌که خراسانی از کدام قسمت خراسان خروج می‌کند، در روایات به محل خاصی اشاره نشده است.

۲. ماهیت و چگونگی قیام خراسانی نیز در روایات به صورت شفاف بیان نشده است؛ به همین سبب در این خصوص و نیز شخصیتی که رهبری این قیام را بر عهده دارد، اطلاعات دقیقی وجود ندارد. در برخی روایات سخن از خروج سید خراسانی و در برخی دیگر از روایات از سید حسنی، سخن به میان آمده است. از

امام باقر علیه السلام نقل شده است که فرمود: «بیرق‌های سیاهی که از خراسان خروج می‌کند، به کوفه نازل خواهند شد؛ پس چون مهدی علیه السلام به سوی عراق حرکت کند، آنان با او بیعت خواهند نمود» (مجلسی، همان: ج ۵۲، ص ۲۱۷)؛ به همین سبب این احتمال که این دو عنوان برای یک نفر باشد یا این که بیانگر دو قیام از خراسان با رهبری دو نفر باشد، وجود دارد.

۳. نقش قیام خراسانی در زمینه سازی و حمایت از قیام امام مهدی علیه السلام قابل توجه است. در روایتی که ابو خالد کابلی از امام باقر علیه السلام نقل کرده است، حضرت، نقش آنان را چنین توصیف کرده است:

گویی اکنون گروهی را با چشم خود می‌بینم که از مشرق قیام کرده‌اند و خواستار حقتند؛ ولی آن را به آن‌ها نمی‌دهند. سپس باز حقشان را می‌طلبند؛ ولی به آنان داده نمی‌شود و چون چنان دیدند، اسلحه‌های خود را برمی‌گیرند و بر گردن هایشان می‌گذارند. این وقت، آنچه را که می‌خواستند به آن‌ها داده می‌شود؛ ولی آن طایفه دیگر نمی‌پذیرند، تا این که قیام می‌کنند و کارشان رونق می‌گیرد، و آنان آن را به کسی نخواهند داد مگر به صاحب شما [= حضرت مهدی علیه السلام] و کشته شدگانشان شهیدند. آگاه باش که اگر من آن روز را درک می‌کردم؛ خود را برای صاحب این امر، نگه می‌داشتم (نعمانی، همان: ص ۲۷۳؛ مجلسی، همان: ج ۵۲، ص ۲۴۳).

در این روایت، امام باقر علیه السلام ضمن این که برحقانیت انقلاب کنندگان و کشته شدگان آن‌ها تأکید فرموده، از نقش حمایتی آنان برای برپایی حکومت عدل مهدوی خبر داده است.

۴. همزمانی قیام خراسانی با خروج سفیانی. در برخی روایات، خروج خراسانی و سفیانی، به دو اسب مسابقه تشبیه شده‌اند که خراسانی از مشرق و سفیانی از مغرب به طرف کوفه در حرکتند، می‌فرماید:

خراسانی و سفیانی در حالی خروج می‌کنند که یکی از طرف شرق و دیگری از طرف غرب به سوی کوفه و عراق در حرکتند و هر کدام سعی می‌کند که از دیگری پیشی بگیرد (نعمانی، همان: ص ۲۶۴).

همچنین حرکت سپاهیان خراسانی، با حرکت نیروهای یمن به فرماندهی شخصی موسوم به یمانی هم‌زمان است. روایات مربوط به این همراهی و هم‌زمانی را در قسمت بعدی بیان خواهیم کرد.

سپاه شعیب بن صالح

از قیام‌هایی که در آستانه ظهور به وقوع می‌پیوندد، قیامی است که با فرماندهی چهره شاخصی به نام شعیب بن صالح برای مقابله با دشمنان امام مهدی علیه السلام و حمایت از حضرت صورت می‌گیرد. درباره این که قیام شعیب بن صالح از کدام منطقه است و پیروان او ساکن کدام سرزمین هستند، در برخی روایات، قیام وی از منطقه سمرقند ذکر شده است. از امام زین العابدین علیه السلام نقل شده است که فرمود: «بعد از خروج عوف سلمی در تکریت عراق، خروج شعیب بن صالح است از سمرقند» (طوسی، همان: ص ۴۴۴؛ مجلسی، همان: ج ۵۲، ص ۲۱۳).

قیام شعیب بن صالح، همانند قیام خراسانی با هدف مقابله با جریان ستمگر سفیانی انجام می‌گیرد. این قیام، اندکی قبل از ظهور به وقوع می‌پیوندد و به ظهور امام مهدی علیه السلام می‌انجامد. با ظهور حضرت مهدی علیه السلام شعیب بن صالح با نیروهای تحت امرش به حمایت از حضرت می‌پردازند و با امام مهدی علیه السلام بیعت می‌کنند.

بر اساس روایات، او پس از پیوستن به لشکریان حضرت مهدی علیه السلام، خود از سرداران سپاه حضرت می‌شود. در روایتی که عمار یاسر نقل کرده، نام شعیب بن صالح برده شده و او را علمدار حضرت صاحب علیه السلام یاد کرده است (کورانی، همان: ج ۱، ص ۳۹۹). همچنین از حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود:

سپس شعیب بن صالح رو می‌آورد. خداوند، بلاد شعیب را به رحمت خود سیراب گرداند! با بیرق‌های سیاه می‌آید، تا این که با مهدی بیعت می‌کند و سپس علمدار او می‌شود (کورانی، همان: ج ۱، ص ۴۰۱).

مسلم است که قیام شعیب و نبرد و جهاد وی با جبهه سفیانیان، نقش مهمی در تقویت جبهه حق و فراهم سازی مقدمات ظهور حضرت مهدی علیه السلام، خواهند

داشت. امیر المومنین علیه السلام می فرماید: «هرگاه پرچم‌های سیاهی که شعیب بن صالح فرماندهی آن را بر عهده دارد، ظاهر شوند و لشکریان سفیانی را شکست دهند، مردم آرزوی مهدی کنند و به جست‌وجوی او برآیند» (کورانی، همان: ج ۳، ص ۷۶-۶۲۱). همچنین از حضرت باقر علیه السلام نقل شده است که فرمود: «شعیب بن صالح، با لشکریان سفیانی جنگ خواهند کرد و آنان را شکست خواهند داد» (کورانی، همان: ص ۲۷۰).

سپاه سید حسنی

از دیگر قیام‌های آستانه ظهور، قیامی است که با پرچمداری شخصی به نام سید حسنی، به وقوع می‌پیوندد. در روایات، وی جوانی هاشمی که جمعی از سادات دور او را گرفته و پس از قیام از مشرق با امام مهدی علیه السلام در کوفه بیعت می‌کند معرفی شده است.

از حضرت باقر علیه السلام نقل شده است که فرمود: «جوانی از بنی هاشم از خراسان بیاید و در جلو او شعیب بن صالح باشد» (همان). به همین احتمال این‌که وی همان سید خراسانی باشد نیز وجود دارد؛ به ویژه با توجه به این‌که شعیب بن صالح نیز پیش‌قراول قیام وی مطرح شده است.

به هر حال آنچه قطعی است، این است که مراد از سید حسنی و خروج او در اخبار، غیر از آن سید حسنی معروف به نفس زکیه است که به عنوان پیک امام مهدی علیه السلام در مکه در هنگام ظهور امام علیه السلام کشته می‌شود و سر او را به شام می‌فرستند. نیز مراد، غیر از آن «حسنی» ای است که در شام، با امویان می‌جنگد و سفیانی بر او غالب می‌شود؛ بلکه این سید حسنی، کسی است که خروج او از بلاد شرق انجام می‌گیرد و بعد از ورود به عراق، در کوفه با امام مهدی علیه السلام ملاقات و بیعت می‌کند.

در پاره‌ای از روایات، خروج وی، از علامات ظهور ذکر شده است. امام صادق علیه السلام

می‌فرماید: «... و ظاهر شود سفیانی و یمانی. و حرکت کند حسنی. آن‌گاه صاحب این امر، خروج کند» (مجلسی، همان: ج ۵۲، ص ۲۴۲).

مجاهد مردان یمنی

نهضت یمنی‌ها به فرماندهی شخصی که در روایات از وی با عنوان «یمانی» نام برده شده، یکی از رخداد‌های مهم و تأثیرگذار هنگام ظهور است. این نهضت - که در روایات، یکی از نشانه‌ها و علائم حتمی ظهور یاد شده، بیش از همه مورد ستایش و تأکید قرار گرفته است. این موضوع، از جهات مختلفی نظیر رهبری نهضت، زمان قیام، مکان قیام، ملیت یمانی، خصوصیات شخصی یمانی، اهداف قیام، ویژگی‌های قیام و... قابل بررسی است. در این نوشتار، نگارنده کوشیده است با نگرش روایی به این بحث، ابعاد مختلف این موضوع را از منظر روایات، مورد توجه قرار دهند. مسأله قیام یمانی در آستانه ظهور حضرت مهدی موعود^{علیه السلام} از نظر منبع شناسی، فقط در منابع روایی شیعی منعکس شده و در مجامع روایی اهل سنت مطرح نگردیده است. روایات موجود در منابع شیعی، وی را از جهات مختلفی توصیف کرده است. این روایات، اصل قیام یمانی را در هنگامه ظهور حضرت حجت^{علیه السلام}، یک امر قطعی و مسلم می‌داند و تعداد این روایات نیز در حد استفاضه نقل شده است.

بر اساس تتبع نگارنده، در مجامع حدیثی شیعه بیش از ۴۵ روایت در این رابطه نقل شده که از این مجموع، تعداد روایاتی که بدون تکرار در مصادر اولیه نقل شده، حدود شانزده روایت است؛ از این رو، در یک تقسیم‌بندی کلی، موضوعات مطرح شده در این روایات را در چند محور، می‌توان مورد توجه قرارداد:

۱. مشخصات فردی: در روایات، هویت فردی و خصوصیات اسمی و نسبی این شخصیت، چندان شفاف بیان نشده است. در این باره، فقط دو روایت وجود دارد که وی را با نام حسن یا حسین از منطقه صنعا در یمن، معرفی کرده است:

نخست، روایتی است که در کتاب *بشارة الاسلام* نقل شده است. در این روایت، از یمانی، با نام «حسین» یا «حسن» یاد شده است. در این روایت، آمده است: فرمانروایی از صنعای یمن به نام حسین یا حسن قیام خواهد کرد. در پرتو قیام او که خجسته و طاهر است، فتنه‌ها از میان می‌رود و حق پس از پنهان شدن، آشکار می‌شود (کاظمی، بی‌تا: ص ۱۸۷).

روایت دوم نیز در کتاب *بشارة الاسلام*، از امام صادق علیه السلام نقل شده است. در این روایت که به نسب یمانی اشاره دارد، آمده است: «...خروج مردی از فرزندان عمویم زید در یمن». (همان)

آنچه که در کتاب‌های متأخران درباره مشخصات اسمی یا نسبی یمانی ذکر شده نیز مبتنی بر همین دو روایت است. نویسنده کتاب *عصر ظهور*، با اشاره به روایت اول می‌گوید: «در بخشی از روایات، وارد شده است که او از یمن و از یک آبادی به نام «کرعه» خروج می‌کند». وی گفته است که بعید نیست این شخص همان یمانی باشد که قبل از قیام حضرت خروج می‌کند (کورانی، همان: ص ۱۵۹). آیت الله صافی گلپایگانی نیز در *منتخب الاثر* معتقد است وی از یمن خروج می‌کند: «یمانی مردی است که مردم را به سوی مهدی علیه السلام فرا می‌خواند و از یمن خروج می‌کند» (صافی گلپایگانی، ۱۴۲۱: ج ۲، ص ۵۶۳).

به نظر می‌رسد دلالت این دو روایت بر اثبات مطلب، قابل تأمل است؛ زیرا ظاهر این دو روایت دلالت روشنی ندارد که یمانی در این‌جا همان یمانی مورد نظر در باب علایم ظهور باشد؛ چون در هیچ یک از این دو روایت، صحبت از خروج هنگام ظهور یا نزدیک به ظهور، مطرح نیست؛ لذا این احتمال وجود دارد که مراد از یمانی در این دو روایت، یمانی معهود در عصر راوی باشد. بنابراین درباره شناسنامه اسمی و نسبی «یمانی»، به سبب عدم شفافیت مسأله در روایات، نمی‌توان قضاوت قطعی کرد.

۲. ملیت یمانی: اما درباره ملیت یمانی و این‌که اهل کجا است و از چه

منطقه‌ای قیام خواهد کرد، آنچه در روایات آمده، این است که وی از منطقه «یمن» خروج خواهد کرد. اما این که آیا مراد از «یمن»، کشور یمن فعلی است که مرکز آن «صنعا» است یا این که منطقه گسترده و وسیع‌تری را شامل می‌شود، باید گفت که روایات در این باره نیز صراحت ندارد؛ ولی باتوجه به این که در روایات، از اهل یمن به دلیل نقش با اهمیت آنان در زمینه سازی ظهور و یاری حضرت حجت علیه السلام، تجلیل و ستایش شده است، این احتمال، بیشتر تقویت می‌شود که وی از اهل یمن فعلی باشد. افزون بر این که هیچ قرینه‌ای وجود ندارد که اصطلاح «یمنی» در گذشته دارای قلمرو بیشتر از یمن فعلی بوده باشد.

۳. خروج یمانی، از علائم ظهور: در بعضی از روایات، تصریح شده است، خروج یمانی، یکی از علائم ظهور حضرت مهدی علیه السلام است؛ مانند روایتی که عمر بن حنظله از امام صادق علیه السلام چنین نقل می‌کند: «پیش از قیام حضرت مهدی علیه السلام، پنج چیز به عنوان علامت و نشانه رخ خواهد داد: «ندای آسمانی، سفیانی، واقعه خسف بیدا و خروج یمانی و کشته شدن نفس زکیه» (صدوق، بی تا: ص ۶۴۹؛ همو، بی تا: ص ۳۰۴).

در حدیث دیگر محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: از نشانه‌های خروج وی، خروج سفیانی از شام و یمانی از یمن و شنیده شدن صدا از آسمان در ماه رمضان است که ایشان را با نام خود و نام پدرش از آسمان فریاد می‌زند (کاظمی، همان: ص ۱۰۰).

۴. حتمی بودن خروج یمانی: مسأله دیگر درباره یمانی حتمی بودن قیام وی در آستانه ظهور است. در روایات، بر محتوم بودن خروج وی، تصریح کرده است: الف. امیر المؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «از اموری که حتما اتفاق می‌افتد قبل از قیام قائم علیه السلام، خروج سفیانی، خسف بیدا، کشته شدن نفس زکیه، شنیده شدن صدای آسمانی و خروج یمانی است» (نعمانی، همان: ص ۲۵۲).

ب. عبد الله بن سنان از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که حضرت فرمود: «شنیده شدن صدای آسمانی و خروج سفیانی و یمانی و... امری حتمی است» (مفید، همان: ص ۳۳۶).

۵. زمان قیام یمانی: در روایات، قیام یمانی هم‌زمان قیام خراسانی و خروج سفیانی در آستانه ظهور، بیان شده است. خروج این دو (خراسانی و یمانی) در جهت دعوت به حق و به سوی امام زمان عجل الله فرجه و سفیانی در جهت مقابله با قیام حضرت، در یک سال و یک‌ماه و یک روز عنوان شده است که اکنون به چند نمونه از این روایات اشاره می‌کنیم:

الف. ابو بصیر از امام باقر ع در حدیثی مفصل نقل می‌کند که حضرت فرمود: «خروج سفیانی و یمانی و خراسانی در یک سال و یک ماه و یک روز اتفاق می‌افتد؛ به صورت پی در پی یکی به دنبال دیگری رخ می‌دهد». (نعمانی، همان: ص ۲۵۳)

ب. امام صادق ع نیز درباره هم‌زمانی و رقابت یمانی با سفیانی می‌فرماید: «قیام این دو شخص یکی در جبهه حق و دیگری در جبهه باطل در تقابل و رقابت با هم قرار دارد؛ همانند رقابت دو اسب تیزرو» (نعمانی، همان: ص ۲۵۳).

ج. در روایت عمر بن حنظله از امام صادق ع، حضرت می‌فرماید: «پنج علامت و نشانه قبل از خروج حضرت مهدی ع رخ خواهند داد: صدای آسمانی، خروج سفیانی، بلعیده شدن گروهی در سرزمین بیداء، خروج یمانی و کشته شدن نفس زکیه» (طوسی، همان: ص ۴۳۶).

د. امام صادق ع در روایت دیگر با اندک تفاوتی می‌فرماید: «پنج چیز نشانه قیام قائم ع است: خروج یمانی و سفیانی و صدای آسمانی و واقعه خسف پیدا و قتل نفس زکیه» (صدوق، بی‌تا: ص ۲۴۴).

باید توجه داشت که در این روایات، ضمن تأکید بر این‌که خروج یمانی از علائم قیام حضرت قائم ع خواهد بود، محل خروج یمانی را نیز «یمن» بیان کرده است که موید احتمال «یمنی» بودن وی می‌باشد، همان‌گونه که قبلاً نیز اشاره شد؛ زیرا ظاهر کلام حضرت (الیمانی من الیمن) در روایت اخیر و تعبیر (خروج الیمانی من الیمن) در روایت نخست به قرینه جمله (خروج السفیانی من

الشام) که قبل از آن مطرح شده، این است که حضرت محل خروج وی را «یمن» معرفی کرده است.

ه در جای دیگر نیز امام صادق (ع) می‌فرماید: «سه شخص: خراسانی، سفیانی و یمانی در یکسال و یکماه و یک روز خروج می‌کنند» (مفید، همان: ج ۲، ص ۴۴۶).

و. در روایت یعقوب سراج از امام صادق (ع) نیز آمده است:

خدمت حضرت صادق (ع) عرض کردم: چه وقت فرج و گشایش شیعیان شما فرا می‌رسد؟ فرمود: زمانی که بین فرزندان عباس اختلاف و نزاع رخ دهد و حکومتش سست شود و کسانی که گمان نمی‌رود بر آنان هجوم آورد و حکام عرب از جایگاه خود به زیر آورده شود و هر صاحب ادعایی تلاش خود را بنماید و سفیانی خارج شود و یمانی قیام کند و حسنی به پا خیزد. آن‌گاه صاحب الامر (ع) از مدینه به سمت مکه حرکت کند در حالی که میراث پیامبر (ص) را با خود دارد (نعمانی، همان: ص ۲۷).

در این روایت نیز خروج یمانی، همانند خروج سفیانی و حرکت سید حسنی که شاید مراد همان سید خراسانی مذکور در روایات باشد، اندکی قبل از ظهور حضرت مهدی (ع) یا متصل به آن، ذکر شده است. خود تعبیر «واقبل الیمانی» در این روایت، بیانگر اقدامات تمهیدی و زمینه ساز جناب یمانی در جهت استقبال از حضور حضرت قائم (ع) می‌باشد.

۶. اهداف و ویژگیهای قیام یمانی: میان شخصیت‌های مؤثر در زمینه سازی و قیام برای دفاع و حمایت از حضرت حجت (ع) هیچ شخصیتی همانند یمانی و قیام او در روایات، مورد تجلیل و عنایت قرار نگرفته است. قیام یمانی از جهت قداست هدف و خلوص انگیزه و دعوت به سوی حق از سوی ائمه (ع) بیش از دیگران، مورد تأیید و تکریم خاص قرار گرفته است:

الف. امام صادق (ع) در توصیف قیام یمانی می‌فرماید: «هیچ پرچمی و حرکتی در هنگامه ظهور، رشد یافته‌تر از حرکت یمانی نیست. او مردم را به سوی حق هدایت و راهنمایی می‌کند» (طوسی، همان: ص ۴۴۶).

ب. در روایت ابی بصیر از امام صادق علیه السلام نیز آمده است:

در میان پرچم‌های برافراشته شده هیچ پرچمی مثل پرچم یمانی هدایت بخش نیست. پرچم وی هدایت است، چون وی مردم را به سوی صاحب شما دعوت می‌کند، پس هنگامی که یمانی قیام کرد، فروش سلاح بر مردم حرام خواهد بود. در آن هنگام باید به سوی وی شتافته شود چون او پرچمدار هدایت است. بر هیچ مسلمانی روا نیست که از وی روی بگرداند و گرنه اهل آتش خواهد بود چون او به سوی حق و راه مستقیم فرا می‌خواند (نعمانی، همان: ص ۲۵۳).

تعابیر و فرازهای به کار رفته در این حدیث شریف، گویای درخشش شخصیت ممتاز یمانی هنگام ظهور و صحت قیام و انقلاب وی است. جالب این است که این توصیفات درباره یمانی که وی را شخصی مورد تأیید و لازم‌الاتباع معرفی کرده، بعد از قراردادن آن در کنار سید خراسانی در صدر روایت بوده است؛ یعنی بعد از این که قیام یمانی را با قیام خراسانی هم‌زمان ذکر نموده، فرازهای ذیل روایت در مقام تجلیل از شخصیت منحصر به فرد وی و تأیید کامل قیام او، با تأکید مکرر بیان شده است که قیام یمانی را از نظر خلوص انگیزه و صداقت در اهداف، از دیگران متمایز می‌کند.

در این رابطه توجه به دو نکته مهم، ضروری است:

نکته اول، تأیید محکم روایات، بر حقانیت قیام یمانی و امضای کامل جنبش یمانی است؛ نظیر آنچه در فقرات «لیس فی الرايات أهدى من رایة الیمانی»، «هی رایة هدی»، «فإن رایته رایة الحق»، «یهدی إلى الحق و إلى طریق مستقیم»، «لأنه یدعوا إلى صاحبکم» و... مشاهده می‌شود. در این فقرات، کلمه «هدی» که مطلق ذکر شده و نیز تعبیر «أهدی»، گویای مشروعیت کامل این قیام است. نیز تعابیری که در جهت تعلیل انگیزه‌های قیام یمانی به کار رفته، وجه حقانیت وی را در دعوت به سوی حق و امام زمان علیه السلام بیان کرده است.

نکته دوم، وجوب حمایت از قیام یمانی است؛ چنان که در روایت قبل، امام صادق علیه السلام مردم را به پیوستن و همراهی وی مکلف کرده است و مخالفت و پشت

کردن با او را نه تنها حرام، بلکه مستلزم کفر و شقاوت دانسته و اهل آتش شدن اعلام کرده است؛ چنان که پیش‌تر اشاره شد.

علاوه بر حرمت مخالفت فکری با وی، مخالفت عملی و عدم اطاعت از وی را در ممنوع بودن فروش اسلحه نیز یاد آور شده است که همه این‌ها بیانگر اهمیت و نقش برجسته حرکت انقلابی یمانی در مقایسه با دیگران در آستانه ظهور حضرت علیه السلام و هجوم فتنه‌ها در آن عصر و زمان است.

اما این که چرا در روایات نهضت یمانی، هدایت بخش‌تر از دیگران توصیف شده و وجه برجستگی و استقامت پرچم وی میان دیگر پرچم‌ها و قیام‌ها چیست، پرسشی است که با تأمل در روایات قبل، می‌توان پاسخ آن را به دست آورد.

در این باره، نویسنده کتاب **عصر ظهور**، چند وجه را یاد آور شده است که توجه به آن، حائز اهمیت است:

وجه اول این که سیستم رهبری سیاسی در یمن، از جهت سادگی و قاطعیت، نزدیک‌تر به اسلام و دستورات مربوط به توسعه و گسترش اسلام و الزامات آن است.

وجه دوم این که ممکن است این امتیاز، به سبب وجود نیروهای مطیع، مخلص و تسخیرناپذیر در سپاه یمانی باشد.

وجه سوم این که ممکن است عدم پایبندی و عدم تعهد به عناوین ثانوی و معاهدات بین‌المللی حرکت یمانی، موجب برتری نهضت وی در آن شرایط باشد؛ برخلاف نهضت خراسانی از ایران که با توجه به سابقه سیاسی و تعهدات متقابل با نظام‌های بین‌المللی، در چنین وضعیتی قرار ندارد.

وجه چهارم این که قیام یمانی به دلیل این که به دیدار حضرت مهدی علیه السلام نائل شده و مستقیماً از رهنمودهای امام علیه السلام بر خوردار است، خالص‌تر و مطمئن‌تر از قیام‌های دیگر است (کورانی، همان: ص ۱۵۹).

نویسنده **عصر ظهور** در نهایت، وجه اخیر را ترجیح می‌دهد؛ ولی دلیلی وجود

ندارد که جناب یمانی در خروجش مستقیماً از حضرت علیه السلام دستور بگیرد یا این که شخصاً با حضرت دیدار داشته باشد؛ بنابراین در توجیه و تحلیل برتری و هدایت بخشی قیام یمانی، وجه اول و وجه سوم مناسب‌تر به نظر می‌رسد.

غیر از آنچه اشاره شد، گروه‌های دیگری نیز هستند که هنگام ظهور، برای یاری امام مهدی علیه السلام از مناطق مختلف قیام می‌کنند و به لشکریان پیروز حضرت می‌پیوندند. این نیروها، از مناطق مختلفی مثل کوفه، شام، مصر و... به سوی حضرت به پا می‌خیزند. در برخی روایات از این نیروها و مجموعه‌ها، با عناوینی همچون: «ابدال»، «نجبا» و «عصائب» یاد شده است (مجلسی، همان: ج ۵۱، ص ۸۸). در برخی روایات، از اهالی طالقان به عنوان یاران و اصحاب حضرت مهدی علیه السلام، تجلیل شده است. از امام صادق علیه السلام درباره اهالی طالقان، نقل شده است که فرمود: «برای قائم علیه السلام، گنجی است در طالقان که نه طلا است و نه نقره» (همان: ج ۵۲، ص ۳۰۸). همچنین از امیر المؤمنین علیه السلام نقل شده است که فرمود:

خوشا به حال طالقان، که از برای خداوند عز و جل در آن گنج‌هایی است نه از جنس طلا و نه از نقره و لکن در آن مردانی است اهل ایمان که خدا را از روی معرفت شناخته‌اند، آنان انصار و یاوران مهدی در آخر الزمان خواهند بود (همان: ج ۵۱، ص ۸۷؛ کورانی، همان: ج ۳، ص ۸۲).

و روایات مشابه دیگری نیز در این زمینه نقل شده است. از میان مجموعه نیروهایی که از مناطق مختلف برای حمایت و یاری رسانی امام مهدی علیه السلام به پا می‌خیزند، در این شرایط حساس و تاریخی، تنها رزمندگان خراسانی و یمانی به صورت یک نیروی منظم و دارای آرایش نظامی، در صحنه ظاهر شده و به ایفای نقش می‌پردازند. ظاهراً میان حرکت نیروهای تحت امر شعیب بن صالح و نیروهای خراسانی نیز ارتباط و هماهنگی کامل وجود دارد. این نیروها بعد از طغیانگری سفیانی در آستانه ظهور، از مناطق مختلف به صورت ضربتی وارد عراق شده و با سپاه سفیانی به نبرد می‌پردازند. به همین سبب، آنان در حمایت از امام

مهدی علیه السلام و مقابله با دشمنان آن حضرت، نقش مؤثر و برجسته تری نسبت به دیگران خواهند داشت.

آنچه اشاره شد، صرفاً نمونه‌هایی از قیام عدالت خواهانه‌ای بود که بر اساس روایات در هنگامه ظهور برای حمایت از قیام حضرت مهدی علیه السلام رخ می‌دهند. البته این به معنای انحصار یاوران مهدی علیه السلام در هنگام ظهور در موارد ذکر شده نمی‌باشد.

منابع

۱. ابن بابویه قمی، ابوجعفر محمد بن علی، *الخصال*، قم، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
۲. ابن بابویه قمی، ابوجعفر محمد بن علی، *کمال‌الدین و تمام‌النعمه*، قم، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
۳. ابن حماد مروزی، ابوعبدالله نعیم، *الفتن*، انگلستان، کتابخانه المتحف، خطی.
۴. ابن طاووس، رضی‌الدین علی بن موسی، *الملاحم والفتن فی ظهور الغائب المنتظر*، بیروت، مؤسسة الاعلمی.
۵. ابن منظور، محمد، *لسان‌العرب*، قم، نشر ادب الحوزه.
۶. اربلی، ابوالحسن علی بن عیسی بن ابی‌الفتح، *کشف‌الغمه فی معرفة الأئمة*، بیروت، دارالکتب الاسلامیه.
۷. بحرانی، هاشم، *المحجة فیما نزل فی الحجة بیروت*، مؤسسه الوفا، ۱۴۰۳ق.
۸. بحرانی، هاشم، *حلیة‌الابرار فی فضائل محمد وآله الاطهار*، قم، دارالکتب العلمیه.
۹. بحرانی، هاشم، *غایة‌المرام فی حجة‌الخصام عن طریق‌الخاص والعام*، بیروت، مؤسسه الاعلمی.
۱۰. حرعاملی، محمد بن الحسن، *اثبات‌الهدایة*، قم، چاپخانه علمیه.
۱۱. حرعاملی، محمد بن الحسن، *الایقاظ من‌الهیجه*، قم، دارالکتب العلمیه.
۱۲. حسینی واسطی زبیدی، محمد مرتضی، *تاج‌العروس*، کویت، دارالهدایه، ۱۳۸۵ش.
۱۳. حلی، رضی‌الدین علی بن یوسف بن المطهر، *العدد‌التویه لدفع‌المخاوف‌اليومیه*، قم، کتابخانه مرعشی نجفی.
۱۴. حلی، یوسف حسن بن مطهر، *المستجد من کتاب‌الارشاد*، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی.
۱۵. دیلمی، ابو محمد، *ارشاد‌القلوب*، بیروت، مؤسسه الاعلمی.
۱۶. شیخ طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، *الغیبه*، تهران، کتابفروشی نینوی.
۱۷. صافی گلپایگانی، لطف‌الله، *منتخب‌الاثر*، چاپ دوم، قم، انتشارات حضرت معصومه علیها السلام، ۱۴۲۱ق.
۱۸. صفار قمی، محمد بن الحسن بن فروخ، *بصائر‌الدرجات فی فضائل آل محمد علیهم‌السلام*، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی.
۱۹. طبرسی، فضل بن الحسن، *مجمع‌البیان فی تفسیر‌القرآن*، قم، دارالکتب الاسلامیه.

۲۰. طبری، محمد بن جریر بن رستم، *دلائل الامامة*، قم، کتابفروشی رضی.
۲۱. طبسی نجفی، محمد رضا، *الشیعة والرجعة*، چاپخانه الآداب، نجف اشرف، ۱۳۸۵ ش.
۲۲. عاملی، محسن امین، *اعیان الشیعة*، بیروت، دارالتعارف.
۲۳. عبدالباقی، محمد فؤاد، *المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم*، قاهره، الطبع الثاني ۱۴۰۸ ق.
۲۴. عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه، *نورالتقلین*، قم، چاپخانه علمیه.
۲۵. عیاشی سمرقندی، محمد بن مسعود، *تفسیر العیاشی*، تهران، کتابفروشی اسلامیة.
۲۶. فتال نیشابوری، محمد، *روضه الواعظین*، انتشارات الرضی، قم.
۲۷. کورانی، علی، *عصر ظهور*، ترجمه عباس جلالی، ۱۳۷۸، قم، سازمان تبلیغات اسلامی.
۲۸. کورانی، علی، *معجم احادیث المهدی*، مؤسسه معارف اسلامی، قم، ۱۴۱۱ ق.
۲۹. کاظمی، مصطفی، *بشارة الاسلام*، تهران، کتابخانه نینوالحدیثه.
۳۰. کلینی رازی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۳۱. متقی هندی، علاء الدین علی، *کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال*، بیروت، مؤسسه الرساله.
۳۲. متقی هندی، علاء الدین علی، *البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان*، چاپخانه خیام، قم.
۳۳. مجلسی، محمد باقر، *بحار الانوار*، بیروت، مؤسسه الوفاء.
۳۴. معروف (الدین راوندی)، ابوالحسین سعید بن هبة الله، *الخرائج والجرائح*، قم، مؤسسه الامام مهدی.
۳۵. مقدس شافعی، یوسف بن یحیی، *عقد الدرر فی اخبار المنتظر*، عالم الفکر، قاهره.
۳۶. نعمانی، محمد بن ابراهیم، *الغیبه*، تهران، کتابفروشی صدوق.
۳۷. نوری طبری، میرزا حسین، *مسدرک الوسائل*، قم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.